

عنوان مقاله:

نقد صورتگراییانه غزلیات شعر فارسی

محل انتشار:

پنجمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

محمد قاسم سیلاوی - عضو هیئۀ علمی دانشگاه

خلاصه مقاله:

دهه دوم قرن بیستم نقطه عطف و سر آغاز تحولی عظیم در نظریه ادبی است که بعدها ادبی بودن فرمالیسم (صورتگرایی) نامیده شد . مشخصه بارز این مکتب، گسستن از هنجارهای ادبی گذشته و کشف راز (ادیت) یک اثر ادبی بود . هدف پایه گذاران این مکتب که به صورتگرایان روس معروف شدند، یافتن پایه های علمی برای نقد ادبی بود . نخستین گام را در این زمینه ویکتور صورتگراییا شک洛夫سکی با انتشار رستاخیز واژه ها میپردازند. در سال 1916 برداشت . صورتگرایان اثر ادبی را بدون هیچگونه پیش زمینه نخستین که مورد بررسی قرار میدهند . آنها معتقدند که به اثر ادبی باید از جنبه ادبی بودن آن نگریست . این پژوهش بر آن است که شیوه های آشنایی زدایی را در غزلیات حافظ مورد بررسی قرار دهد تا مشخص گرداند که وی تا چه حد در اشعارش به قاعده کاهی و قاعده افزایشی دست یازیده است و آیا از این رهگذر توانسته موجب عادت ستیزی و در نتیجه تشخیص کلام خود در نگاه مخاطب گردد . با توجه به این نکته که آشنایی روسی بود که از ارکان اصلی مکتب فرمالیسم روسی میباشد که دلالت بر درک میشود ناآشنا ساختن واقعیت عادی شده زندگی دارد، تا به جای شناسایی صرف امور پیرامون، به دشوار درک واقعی آنها دست یابند.

کلمات کلیدی:

صورتگرایی، آشنایی زدایی، قاعده کاهی، قاعده افزایشی، غزلیات حافظ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/975632>

